

نکته‌ها از باب شورای ملی ایران!!

امیر فیض- حقوقدان

این تحریر مشتمل است بر نکته هائی از شورای ملی ایران!! که حائز توجه و احتمالا توضیح بردار است.

نوشته مفصلی از آقایانی که خود را «مبارز نستوه» معرفی کرده خواندم که بمناسبت اشاره هائی نزدیک به واقعیت، بخشی از آن نوشته مبنای این تحریر قرار گرفت.

نکته اول – فقدان رهبری در شورای ملی

نویسنده نامه به نقش رهبری و فقدان آن در شورای ملی!! اشاره کرده و بارانه نمونه های تاریخی این حقیقت را بازگو کرده که حقیقتا از زمان کورش بزرگ تا انتخابات سال ۸۸ وجود رهبری کارزیماتیک بوده که توانسته حکومت هارابه زیربکشد و گاهی این به زیرکشیدن بنفع ملت و کشور بوده و گاه به ضرر کشور و از باب نمونه به قیام کاوه آهنگر، ابومسلم خراسانی، قیام بابک خرمدین، قیام نادر و بالاخره حرکت تاریخی رضاشاه بزرگ علیه فساد و تباهی قاجار اشاره و آنها را بعنوان نمونه رهبری های کارزیماتیک که بنفع مردم بوده و همچنین رهبری کارزیماتیکی خمینی که هرچه بود یک پیرمرد دیوانه بود که در نقش رهبری ظاهر شد
<.....>

نویسنده سپس با این برداشت درست که ملت ایران همیشه در طول تاریخ دنبال یک رهبری بوده پیشنهاد میکند:

>شاهزاده رضاپهلوی باید سریعا برای خاتمه دادن به این بحثها و مجادلات یک روشن نما را خودش ارائه بدهد و کار رهبری را شخصا خودشان برعهده بگیرند <.....>

بحثی برپیشنهاد آقای مبارز


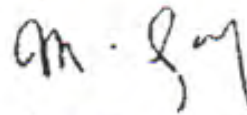
نویسنده نامه بدون شک از سابقه ای که دقیقا هم‌آهنگ باپیشنهاد ایشان است آگاه نیستند؛ مقصود این است که اعلیحضرت درپنجم امرداد سال ۱۳۷۴ (۲۵۳۴ = ۱۹۹۵) عین پیشنهاد ایشان رابه موقع اجرا گذاشتند. بهتر است ابتدا به سند امضاشده اعلیحضرت در این مورد استناد و به اینجا آورده شود و بعد بحثی که سزاوار است تنظیم گردد.

((متن سند امضا شده را در برگ پسین ببینید))

Having met today in Washington, D.C., we affirm our belief that it is necessary to unite all Iranians of good faith around the core values of pluralistic democracy and the respect for internationally recognized human and political rights, and we agree to work closely together to unite the democratic opposition forces towards the establishment of a pluralistic democracy in Iran. We believe that today Iran has reached a critical historical juncture which necessitates a concerted effort by the democratic opposition to unify and bring about the desired change in Iran. In this light, we welcome the recent efforts of the U.S. and European governments to reach out to the democratic opposition. We believe that the situation in Iran, as well as the international climate, is conducive for a major move toward pluralistic democracy in Iran, and salute the efforts of all those leaders, such as former Prime Minister Shahnour Bakhtiari and others, who have laid down their lives for the cause of a free and democratic Iran.

Reza Pahlavi

Manoucher Ghandji

۲۷ ژوئیه ۹۵ - پنجم مرداد ۷۴

در ملاقات امروز در واشنگتن ما توافق می کنیم که با همکاری نزدیک همه ایرانیان را بدون دیکراسی و کثرت گرایی و احترام به قواعد شناخته شده بین المللی حقوق بشر گردآوریم و اعتقاد خود را مورد تاکید قرار میدهیم که به منظور اتحاد همه نیروهای دموکراتیک ایرانی با یکدیگر همکاری نزدیک بعمل آوریم. ما بر این باوریم که امروز وضع ایران به چنان مرحله حساس تاریخی رسیده است که اتحاد همه نیروهای اپوزیسیون دموکراتیک برای یک دگرگونی اساسی در کشور ضروری است. در پرتو این ضرورت تاریخی ما از کوشش های اخیر دولتهای آمریکا و اروپا در حمایت از اپوزیسیون دموکراتیک ایران استقبال می کنیم و معتقدیم که شرایط کنونی ایران برای یک جنبش اساسی در جهت برقراری دیکراسی و کثرت گرایی در کشور آماده است.

منوچهر گنجی

امضاء رضا پهلوی

در متن فوق دقیقاً تمام مراتب مهمی که در منشور ۱۶ ماده ای پیاده شده در کلیت موضوع رعایت گردیده و اساس آن همانطور که منشور ۱۶ ماده ای نشان میدهد بر همکاری تمام ایرانیان به دور دیکراسی و کثرت گرایی و احترام به قواعد بین المللی و حقوق بشر است و همچنین مسئله حساسیت موقعیت ایران که در منشور ۱۶ ماده ای به ذکر آمده در همین متن امضا شده از سوی اعلیحضرت هم حساسیت آن مایه اصلی بیانیه مزبور میباشد.

متنی را که ملاحظه فرمودید دبیرخانه اعلیحضرت منتشر ساخته است، و حضور آقای منوچهر گنجی هم میتواند بعنوان یک کمکیار و یا مامور اجرای منویات اعلیحضرت تلقی گردد، مقصود این است که جریان مزبور دقیقاً و بدون ذره ای کاست مهمی منطبق با پیشنهاد آقای مبارز است ولی آیا آن توافق و آن دستور از سوی ایرانیان تحویل گرفته شد؟ البته که خیر و بشدت بابتی توجهی رویرو گردید بطوریکه بکلی فراموش شد.

و چون در آن زمان سلطنت طلبان در موقعیت آراسته و حساسیت نسبت به مشروعیت و سلطنت بیشتر از این روزها بودند چنان به توافقنامه مزبور که فارغ از عنوان سلطنت و نیز تائید حمایت بیگانگان از مبارزه ایرانیان

را داشت اعتراض کردند که اعلیحضرت با انجام مصاحبه ای با کیهان لندن از توافق مزبور رفع اثر فرمودند و کیهان لندن نوشت:

شهریار ایران: «قصده صدور اعلامیه و ایجاد جبهه مشترک با کسی را نداشته و ندارم»

دیدار شهریار ایران با منوچهر گنجی و صدور یک بیانیه مشترک پس از این دیدار هیاهوی بزرگی در میان اپوزیسیون ایران برانگیخت از این رو برتر آن دیدیم که نظره‌های شخص شهریار ایران را در این باره جویا شویم که در گفتگوی زیر منعکس است
(در سنکر ۱۹۹+۳۳۲)

چرا؟ چرایش را باید در فرهنگ و تربیت و عادت و منش ایرانی یافت فرهنگ ما ایرانیان در تحویل و احترام و اعتماد را برای هیچکس جز شاه و آخوند اعظم باز نمی‌کند، در زمان خمینی بازرگان و سنجابی و فروهر بسیاری همانند آنها که توده‌های وسیعی هم فهاراد در مقام رهبری میشناختند مورد تحویل مردم قرار نگرفتند تا آن پیرمرد دیوانه که مرجعیت تقلید را یک میکشید در جایگاه مبارزه قرار گرفت.

اعلیحضرت رضاشاه دوم و بقول آقای «مبارز» **شاهزاده رضاهلوی بدون قراردادن در جایگاه مشروعیتی سلطنت هیچ اقدام مثبت و قابل توجهی نمیتواند انجام دهند و اساسا مورد تحویل مردم نخواهند بود** و تنها اثرش بی اعتباری بیشتر، انزوای بیشتر از مردم ایران و توجه اتهامات بیشتری که به همراه مستندات بسوی ایشان نشانه رفته است خواهد بود.

آقای مبارز در همین نامه مفصل خودش نوشته اند وقتی در تهران بودم و منشور ۱۶ ماده ای منتشر شد.

> شاهد واکنش مثبت مردم بودم؛ جملاتی که از کوی و بازار و درو همسایه میشنیدی این بود که انگار بالاخره ولیعهد پادرمیدان گذاشت <

واکنشی که آقای مبارز به آن اشاره کرده است همان فرهنگ و منش ایرانی است که نجات خود را مستلزم توجه شاه و درغیاب او ولیعهد میدانند، اینکه چرا مردم کوچه و بازار نگفته اند بالاخره یک شهروند ایرانی خارج از کشور پادرمیدان گذاشت زیرا برای ایرانی رضاهلوی فرقی با ایرانی دیگر حتی خودش ندارد.

سرمایه و اعتبار و اعتماد ملی مورد قبول مردم، شاه و ولیعهد است که قدرت اجرائی و جاذبه وحدت و همبستگی میدهد نه اعتبار و شخصیت فردی افراد.

فلپ بلوند رئیس موسسه تحقیقات رسپا بلیکا، متفکر بانفوذ سیاسی و مبدع نظریه «محافظه کاران سرخ» نوشته است

> پادشاه با شخصیت دادن به ملت و یکپارچه کردن آن باعث میشود تا سیاستمداران دمکراتیک بهتر عمل کنند. پادشاه و یا ملکه باتلاش برای نمایندگی تمام نظرات دخیل در منافع ملی، مارا از افراط و بنیاد گرانی آنهانی که فقط عقاید خودش را قبول دارند محفوظ میدارد <

هرورق از تاریخ کشور ما سلطنت رامظهریگانگی و وحدت ملت و کشور دانسته است ادبیات کشور ما بر این حقیقت مسلم مهتر تاریخی کوبیده است، علت سردرگمی و پراکندگی ما و ماندگاری جمهوری اسلامی عدم تجهیز مبارزه علیه جمهوری اسلامی از این پایگاه تاریخی و آشنای ملت و قطب امید و نجات ملت است.

همه محققین ایرانی و خارجی بدون استثناء به این برداشت تحقیقی رسیده اند که ملت ایران در امر رهبری فرد پرست است و این فرد پرستی منحصر و محدود به شاه در امور مملکت داری و قانونی، و مجتهد اعظم در امور مذهبی است و لا غیر.

اینها مطالبی است که صدها بار تکرار شده است و بقول سعدی «اگر سالی بر جمعی سخن گفتی تکرار کلام نکردی»

نکته دوم - تنظیم کنندگان منشور

بیشترین انتقادی که به منشور و نیز شورای باصطلاح ملی شده متوجه معلوم نبودن کسانی است که منشور را تهیه کرده اند ایراد آنان کاملا وارد است زیرا هر نوع دعوتی باید معلوم باشد که از ناحیه کیست، هر بسته پستی که میرسد اولین توجه این است که فرستنده آن کیستریال گرایش به فعالیت های سیاسی متوجه شخصیت پیشگامان آن فعالیت است نه حرفه‌ای که زده میشود، اینکه احادیث به شخصیت های دینی معتبر منسوب میشود و یا نظرات کارشناسان راپشتوانه قرار میگیرد به همین جهت ارتباط کلام با شخصیت است.

ایرانیاری که خود را دکتر منصور راستائی معرفی کرده در اظهار نظری نسبتا مستدل نسبت بشورای ملی ایرانیان نوشته که منشور ۱۶ ماده ای بوسیله آقایان احمد ملکی خواهرزاده کروبی دیپلمات سابق جمهوری اسلامی در ایتالیا - علی اکبر امید مهر، دیپلمات سابق جمهوری اسلامی در پاکستان و محمدرضا حیدری کنسول سابق جمهوری اسلامی در اسلو نوشته شده است.

آقای احمد ملکی در رابطه با مقاله آن ایرانیار نوشته ای منتشر ساخته که انتساب منشور ۱۶ ماده ای را به خود تکذیب نکرده بلکه با مطالبی که نوشته بنوعی تائید آنرا هم آورده و تلاش ایشان در آن مقاله برای پایه است که منشور تائید و امضا بشود همین و همین.

آقای احمد ملکی در گفتگوی اخیر در برنامه افق، شرکت خودشان را در تشکیل شورای ملی و تنظیم ۱۶ ماده ای اعلام کرده است.

آقایان احمد ملکی و امید مهر، و رضاحیدری از منابع جمهوری اسلامی و وابسته به موسوی و کروبی و رفسنجانی هستند، که برای بقای جمهوری اسلامی ولی تغییراتی در آن فعالیت میکنند دقیقا همان تز و نظری که آمریکا نسبت به حکومت اسلامی ایران دارد و با کنکاش بیشتری میرسیم به آنجا که آنها وصل به گروه باصطلاح اصلاح گران و گروه سبز هستند که سربازان آمریکا و اسرائیل در امر مبارزه با جمهوری اسلامی معرفی شده اند.

همان لایحه ایرانیار، آقای پیرزاده و خانم گلستان را رابط بین دبیرخانه اعلیحضرت و شورای ملی و منشور ۱۶ ماده ای معرفی میکند که بنا بر مستندی که ایشان ارائه داده اند دو نفر یعنی آقای پیرزاده و خانم گلستان به جناح اصلاح طلبان و جنبش سبز وابسته میباشند.^۱

حاشیه - نظرات پیاده شده در لایحه آن ایرانیار، نوشته های دائر بر اینکه تشکیل شورای ملی یک طرح آمریکائی برای هم الگونی باشورای ملی سوریه است راتائید میکند (پایان حاشیه)

نکته سوم - نرخ گذاری در دعوا

کسی مدعی شده است: «از آنجا که تاکنون کسی منشور ۱۶ ماده ای را بنقد نکشیده پس منشور اصالت داشته و نمیتواند بهانه ای برای امضا نکردن بوجود بیاورد»

از نوشته او حیرت کردم که اینهمه ایراد و اعتراض به منشور را نادیده گرفته است و از آن مهمتر این وهم باطله را هم پیدا کرده که اگر مطلبی مورد نقد قرار نگرفت پس اصیل است.

^۱ - خانم گلستان مشهور است به داشتن نمایندگی از سوی به اصطلاح «آیت الله کاظم بروجردی» که طرفدار استمرار جمهوری اسلامی و اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی است. ح-ک

درتحریرقبل عرض وارانہ دلیل شد کہ یکی ازشرائط نقد قرارگرفتن موضوعات احراز اهلیت شخص اظهارکننده است و نوشته ای کہ معلوم نیست مدعی ونویسنده مطالب آن کیست تا احراز اهلیت بشود کہ نمیتواند درمعرض نقد قرارگیرد (هرچیز کہ برای فروش ویااجاره ویااستفاده اشخاص گذارده میشود باید مالک آن معلوم وقصد ازارانہ آن مشخص باشد والا قابل تصرف نیست)

نکته چهارم – دکان دونبش ۹۱ یا فرنچایز شورا!

هنوز چند روزی ازتشکیل شورای ملی وانتشارباصطلاح منشور۱۶ ماده ای نگذشته کہ منشوردیگری بنام ۹۱ به بازار آمد درست مانند فرنچایزها کہ وقتی براه می افتد درهرکوی برزنی یکی بازمیشود.

یکی ازآقایان نوشته است «معلوم نیست کہ مقصود از منشور ۹۱ چیست»^۲

به صاحب اصلی فرنچایز کہ آمریکاست، نگاه کنید به افراد آن نظیر جهانبگلو و سوابق او نگاه کنید، به تولیدات شوراهای آمریکانی درتمام کشورها کہ قتل وجنایت وتجزیه کشوراست نگاه کنید، به تشکیل دهندگان شورای باصطلاح ملی نگاه کنید به شوراهای سوریه وتوصیه خانم کلینتون نگاه کنید، به اظهارات اخیر آقای مینت رامنی نگاه کنید کہ گفت «اگرمن رئیس جمهورشوم فشاربه ایران را افزایش میدهم ودرمورد سوریه تلاش خواهم کرد کہ آن عده ازمخالفان را شناسانی وسازمان دهی کنند کہ ارزش های ماراقبول داشته باشند تااینکہ به آنها اسلحه سنگین تربدھیم (ایران وجهان ۱۳ اکتبر ۲۰۱۲)^۳

و تطبیق کنید باهمزمانی تشکیل شوراهای ملی و ۹۱ وشوراهای دیگری کہ باید منتظربود.

به گفتگوی بایدن با بل رایان معاون احتمالی میت رامنی نگاه کنید کہ بایدن گفت «نیازامروز آمریکا راه اندازی جنگ دیگری درخاورمیانہ است»

همه این شواهد ونشانی هارا درکنارهم بگذارید آنوقت خواهید فهمید کہ هدف نهائی وپنهان ازتشکیل این شوراها و منشورها و امضا جمع کردن هاجیست. آنقدر هم ساده وعامی نباشید کہ منتظرباشید کہ «جانی» بشما بگوید کہ قصد جنایت دارد.

نکته پنجم – تضاد، تضاد، وای از تضاد

موضوع مهم درمورد فرنچایز ۹۱ امضای آن توسط اعلیحضرت است، نہ موضوع آن کہ فرنچایز بودن علامتی از یکنواخت بودن جنس است.

عجیب وغیرقابل باور تضاد آشکار بین امضای منشور ۹۱ و بیان اعلیحضرت در محکوم ساختن موازی سازی است کہ درهمین مصاحبه اخیرشان بارادیو صدای آمریکا بخش افق آنرا مطرح ودرمقابل سوال آقای دهقانپور مبنی براینکہ آیا شما حاضرید منشورهای دیگری را هم کہ درهمین روال منشور ۱۶ ماده ای باشد امضا کنید، اعلیحضرت منشورهای دیگر را موازی سازی تلقی واضافه کردند کہ «درادبیات من این چیزها قابل قبول نیست ومن با آنها کاری ندارم»

این چنین تضادها درگفته ها وعمل بسیارقابل اهمیت است ضربه های هولناکی است به اعتبارانسان آنهم درحدی غیرقابل تصور وجبران نشدنی، شخصیت انسانها بسته به قول وقراراست درهمین مناظره انتخاباتی آقایان اوباما ومیت رامینی اوباما میت رامنتهم کرد کہ دوجورحرف زده است.

^۲ - منشور دیگری کہ برخی مثل شاهین فاطمی از جمله امضاکننده های آن هستند هم در سر دو نبش «فرنچایز» ارائه شده.... همه راه ها به «روم» ختم می شود. دریافت دستمزد و کشاندن ایران به جنگ خانگی – در روز دوشنبه ۲۲ اکتبر ۲۰۱۲ در مناظره تلویزیونی آقای اوباما و آقای میت رامنی، به طور ضمنی و غیر مستقیم اشاره ای به موضوع شد. ح-ک

^۳ - اشاره بالا به مشابہ همین گفته در مناظره شب ۲۲ اکتبر است. ح-ک

نمیدانم از کیست که گفته است:

< میان انسان و شرافت، رشته باریکی وجود دارد که نام آن قول است >

خاتم الهه بقراط این اقدام اعلیحضرت رابفال دمکرات منشی ایشان گرفته و برآن تحسین سزوار ساخته است، عاقلان دانند که معنای این تحسین چیست. یادم آمد کسانی که افراد ساده رابه عهد شکنی ویا جنایتی ترغیب میکردند پس از انجام عمل از آن عهد شکن ویا جنایتکار تقدیر هم مینمودند نظیر خلیل طهماسبی که بعد از ارتکات جنایت و ترور رزم آرا مورد تشویق هم قرار گرفت و روزنامه های وابسته به جبهه ملی او را قهرمان ملی هم لقب دادند!!

نکته ششم مدینه فاضله

واکنشها نسبت به شورای ملی و منشور ۱۶ ماده ای فصل مشابهی است که مهمترین آنها بنظر میرسد که واکنش حضرات آقایان نوری علا و حشمت رئیسی و میرفطروس (خدای نوری علا) باشد.

آقای نوری علا که در ابتدا از طرفداران تشکیل شورا بود بعد از آنکه تحویل گرفته نشد در برنامه آقای میبدی گفت: <این آن مدینه ای نیست که من دنبالش بودم>، آقای حشمت رئیسی هم که قبلا بامخالفت نوری علا مخالفت میکرد وقتی تحویل گرفته نشد گفت: <این همان مدینه فاضله ای نبود که دنبالش بودم> آقای میرفطروس (بخوانید شخصیتی که کلامش آیات الهی است = نوری علا) هم گفت: «باید حرکت دیگری ایجاد شود و این آن حرکت نیست»

جالب در این واکنشها مثبت و خود خواهی آنان است، گویا چنین است که هر حرکتی ویا تشکیل شورا ویا جماعتی باید آن چیزی باشد که نوری علا و امثال او دنبالش بوده اند؛ این همان نوری علاست که میگوید <من واژه شاهزاده را استعمال نمیکنم چون بوی خودخواهی رامیدهد> جای حیرتی نیست نقصان عقل این مسائل را پیش میآورد.

ارزیابی حقوقی جمع آوری امضا

تحریر تقدیمی ناقص است اگر عمل جمع آوری امضاها ارزیابی حقوقی نشود اجازه فرمائید در فرصت آتی گرچه گفته اند <نیست به فردا توکلی> به اتفاق موضوع مزبور به بحث گذاشته شود.